

هنر «چیق بافی» عشایر ایل کلهر

* علی حاتمی

** مرتضی بیگی

چکیده

عشایر در کنار فعالیت‌های اصلی خود به تولید صنایع دستی از قبیل بافت سیاه‌چادر، چیق (چیق بافی)، گلیم، قالی و... نیز می‌پردازند. مواد اولیه بیشتر این صنایع، شامل پشم، مو و پنبه است که از فرآورده‌های دامی و کشاورزی خود منطقه به شمار می‌رود. بافت چیق (چیت) از مهم‌ترین صنایع دستی و کشاورزی عشایر است که برای پوشش دیواره چادرهای خود امروزه نیز از آن استفاده می‌کنند. نقش‌ها و رنگ‌های به کار رفته در چیق می‌تواند به عنوان بافته‌های سنتی در برنامه‌های مستند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین از این نماد می‌توان در انواع دکورهای تلویزیونی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی عشایری، چیق، چیق بافی، چیت بافی، بافته‌های

ایل کلهر

* کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی پژوهشکده

alihatami80@gmail.com

yaser.beagi@gmail.com

فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

** کارشناسی ارشد پژوهش هنر

مقدمه

اختلاف شرایط اقلیمی در مناطق مختلف ایران (کوهستان، دشت و کویر) خود عاملی مؤثر در ایجاد و شکل‌گیری شرایط مختلف زندگی است. هر یک از این تغییرات، به نوبه خود تأثیر فراوانی در همه مسائل، از جمله در آداب و رسوم، سنن و هنرهای دستی دارند که یکی از عوامل مؤثر در تنوع و گوناگونی بافته‌های دستی عشایر ایران نیز همین است.

در میان ایلات مختلف ایران، ایل کلهر با پیشینه تاریخی خود و با توجه به نوع زندگی عشایر آن، صنایعی را تولید می‌کند که علاوه بر جنبه کاربردی، آثاری هنری به شمار می‌آیند. زنان ایل، همپای مردان در زندگی عشایری و تولید صنایع دستی و هنری تلاش می‌کنند؛ به طوری که در سراسر آثار آنها نقش‌آفرینی خانوادگی و گروهی انسان‌ها را می‌توان دید. نقوش، بافت، رنگ، شکل و محتوای صنایع دستی عشایر ایل کلهر بیانگر حالات، روحیات و فرهنگ آنهاست.

شهرستان گیلان‌غرب از توابع استان کرمانشاه است و از دیرباز مرکز اصلی ناحیه گرمسیری ایل کلهر به شمار می‌رفته و دارای سابقه کمی به لحاظ شهرنشینی است. در این منطقه زندگی کوچ‌نشینی و عشایری کماکان در کنار شهرنشینی و یکجانشینی ادامه دارد.

یکی از مسائلی که همواره ذهن انسان‌های جستجوگر را به خود مشغول کرده، درک رمزگان تصویری موجود در آثار مختلف هنری است. برای نمونه می‌توان به نقاشی‌های انسان‌های اولیه بر دیواره غارها اشاره کرد که از جنبه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این تحلیل‌ها، باعث شناخت هر چه بیشتر از زندگی انسان‌های اولیه و درک آنها و مواردی

هنر «چیق بافی» عشایر ایل کلهر ❖ ۷۳

از این دست شده است. در مورد هنرهای دستی نیز این مسئله صدق می‌کند. صنایع دستی هر قومی، بیانگر مسائل بسیاری است که تحلیل آنها و پی بردن به عمق و درونشان علاوه بر افزایش شناخت و آگاهی، می‌تواند کاربردهای دیگر نیز داشته باشد. بابک احمدی با توجه به امکان تحلیل آثار هنری، هر اثری را دارای سه نوع رمزگان می‌داند:

«می‌توان پرده نقاشی را تحلیل کرد. مقصود از پرده فقط بوم نیست، این عنوانی همگانی است که شامل سطوحی صاف چون گچ، کاغذ، سرامیک، شیشه و... می‌شود. هر پرده، از رمزگانی تشکیل شده است که به دسته رمزگان فرهنگی، رمزگان زیبایی‌شناسی نقاشی و رمزگان ویژه هر نقاش تقسیم می‌شود. رمزگان فرهنگی در هر پرده نقاشی آن دسته از کدها هستند که دلالت خود را بیرون از پرده، و حتی خارج از هنر نقاشی و نگارگری، به معنای کلی آن، به دست می‌آورند. کاربرد عناصر زندگی اجتماعی و فرهنگی در پرده، از شیوه لباس پوشیدن و آرایش موها تا نشانه‌هایی از آداب رفتاری، معماری، موسیقی، شکار، گل‌آرایی، کنار هم نشستن و نظم عناصر تصویری در پس‌زمینه‌هایی که بویژه به شیوه و مناسبات اجتماعی مرتبط می‌شوند، همچون تصاویر زندگی روستایی یا شهری، آرایش صحنه در خانه‌ای، قصری، معبدی، همه کدهای فرهنگی محسوب می‌شوند.» (احمدی، ۱۳۸۶: ۷۵)

تحلیل دستبافته‌های عشایر گیلان غرب و بررسی نقش و رنگ چیق، بیانگر این صنعت - هنر و نشان‌دهنده ذوق و هنر مردان و زنان ایل کلهر است و نشان از گذشته‌ای دارد که این هنرها پیوندی عمیق با زندگی روزمره مردم داشته و حامی تمام استعدادها، ذوق و سلیقه آنها بوده‌اند.

هنر چیق بافی

از صنایع دستی عشایر گیلان غرب، بافت چیق است که از سوی زنان عشایر بافته می‌شود و از آن برای حصار گوسفندان، دیوار سیاه‌چادر و تقسیم‌بندی فضای آن استفاده می‌کنند. به اعتقاد بسیاری، با توجه به نوع ساخت، نخستین زیرانداز انسان، چیق بوده است. با توجه به چادرنشینی عشایر و استفاده آنها از چیق به عنوان دیواره چادرها، می‌توان تاریخ چیق بافی را با تاریخ چادرنشینی محاسبه کرد.

بنابر لغتنامه دهخدا، چیق کلمه‌ای ترکی و بافته‌ای پرده‌مانند است که از نی و چوب‌های نازک می‌سازند و از جلوی در خانه می‌آویزند. البته در مناطق مختلف دارای عناوین متفاوتی از جمله آلاچیق، چیح، چیت و چیق (چیغ) است.

آلاچیق از دو واژه آلا (به معنای سقف که از موی بز بافته می‌شود و به آن سیاه‌چادر نیز می‌گویند) و چیق (که همان دیواره چادر عشایر است) تشکیل شده است. در میان عشایر ایل کلهر به بافته‌هایی که با ترکه‌های نی بافته شده‌اند و دارای نقش و نگار هستند، چیق و به بافته‌هایی که با نی‌های نازک و گرد درست می‌کنند، چیت می‌گویند. این بافته سنتی دارای نقوشی نمادین و متنوع است که عبارت‌اند از: طوق سوار، ناسک (آهو)، قرژنگ (خرچنگ)، پردال (پر عقاب)، ستاره، مرغابی و طرح‌های هندسی با رنگ‌بندی زیبا که برگرفته از محیط طبیعی پیرامون و ذهنیات بافنده‌اند. بافت چیق بیشتر در بهار و تابستان صورت می‌گیرد، ولی در فصل پاییز نیز هنگام کوچ به مناطق گرمسیر، برای درست کردن حصار برای گوسفندان، این بافته تهیه می‌شود.

این بافت حصیری که همانند حصاری اطراف سیاه‌چادر را دربرمی‌گیرد، با استفاده از الیاف گیاهی (نی) و همچنین موی بز و در پاره‌ای از مواقع با

هنر «چیق بافی» عشایر ایل کلهر ❖ ۷۵

استفاده از نخ پشمی رنگ بافته می‌شود. ابزار و وسایل مورد استفاده در چیق بافی از چند وسیله ساده و ابتدایی نظیر داس، انواع کارد، سوهان، درفش، قیچی، سوزن و... تجاوز نمی‌کند و آنچه بیش‌تر به محصولات تولیدی زنان ارزش و اهمیت می‌بخشد، مهارت و ذوق بافندگان است. امروزه با توجه به زیبایی نگاره‌های چیق و قابل تغییر بودن فواصل نی‌ها، در زندگی شهری نیز می‌توان از آن به عنوان پرده، پارتیشن در خانه‌های آپارتمانی، پوشش دیوار، آباژور و... استفاده کرد.

نحوه بافت چیق

پشم‌زنی، ریسندگی و رنگرزی از جمله کارهای مقدماتی یا زیربنایی است که به منظور آماده‌سازی مواد اولیه برای انجام صنایع دستی از جمله چیق بافی در ایل بدان پرداخته می‌شود.

پهنای تقریبی چیق ۱۵۰ سانتیمتر است و روی آن نقش‌های متفاوتی به وسیله نخ‌های رنگارنگ پشمی ایجاد می‌شود. برای تهیه این بافته حصیری، نی لازم را از اطراف رودخانه‌ها فراهم می‌کنند و سپس آن را می‌ترکانند و بسته به قطر نی به سه، چهار یا به قسمت‌های بیشتر تقسیم می‌کنند؛ به طوری که پهنای هر قسمت نزدیک به یک سانتیمتر باشد. سپس از نخ پشمی ریسیده شده (که معمولاً رنگی است)، برای بافت استفاده می‌شود.

«بافندگان که معمولاً از زنان عشایر هستند، طرح مورد نظر برای تهیه محصول را یا به خاطر دارند و به طور ذهنی آن را به قسمت‌های متفاوت تقسیم می‌کنند و هر نی را بر طبق آن می‌بافند، یا اینکه طرح را روی کاغذ ترسیم و هر نی را روی نقشه، نخ‌پیچی می‌کنند که در مورد زنان چادرنشین حالت اول بیشتر صادق است. این طرح‌ها که همه اصیل و سنتی می‌باشند،

گونگون و زیبا هستند و نقش‌هایی نظیر آهو، گوزن، شتر، بز و... را شامل می‌شوند.» (امیری، ۱۳۸۳: ۳۲)



نمونه‌ای از دار چیق زنان عشایر

برای بافت چیق، ابتدا تمامی نی‌های انتخاب شده را بر اساس نقشه‌ای که برای سطح چیق در نظر گرفته شده است، به وسیله نخ‌های رنگی رشته شده از ابتدا تا انتها می‌پیچند. در مرحله بعد، نی‌های پیچیده شده را کنار هم قرار می‌دهند و می‌بافند. در نهایت چیق‌ها؛ «به صورت دیوار پرنقش و نگار و زیبایی با نقوش مورد نظر که در اندازه‌های مختلف، سطح زیر چادرها را از هم جدا می‌سازد درمی‌آیند. همچنین برای مواظبت بیشتر، کناره‌های این چیق‌ها را با نخ پشمی به اندازه پنج سانتیمتر می‌بافند» (سلطانی، ۱۳۷۲: ۱۸۲). گاهی از کاموهای رنگی نیز برای بافتن چیق استفاده می‌کنند، اما در گذشته بیشتر از پشم‌های رنگی استفاده می‌شده است.

ویژگی‌های چیق

چیق هم دارای جنبه کاربردی و هم دارای زیبایی است که سبب می‌شود در زمره آثار هنری قرار گیرد، به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی «دستبافته تجسمی» دانست.

«چیق هم زیباست و هم از ورود گرما، سرما، خاک و باد جلوگیری می‌نماید... چیق مانند دیوارهای دوجداره عمل می‌کند. جالب است که مار و سایر حیوانات موذی یا گزنده نمی‌توانند از موی بز عبور کنند.» (سیدصدر، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

در مواقع بارندگی و سرما، رطوبت زیاد باعث زیاد شدن حجم نی‌ها می‌شود و از ورود سرما و بازان به درون سیاه چادر جلوگیری می‌کند. موی بز نیز به دلیل داشتن لایه‌ای چربی مانع از ورود باران می‌شود؛ همچنین سایه غلیظ و سنگینی که ایجاد می‌کند، باعث می‌شود که سایه‌بان مناسبی محسوب گردد. در مواقع گرما و خشک بودن هوا نیز نی‌های چیق کاهش حجم پیدا می‌کنند و راهی برای ورود هوا به درون سیاه چادر ایجاد می‌نمایند.

تهیه نی و ترکیه‌های چیق از سوی مردان انجام می‌گیرد، اما بقیه کارهای آن را زنان انجام می‌دهند. در مورد نقوش چیق؛ به دلیل ماهیت بافت آن، نقوش به صورت هندسی هستند و تصاویر حیوانات و گل‌ها ترکیبی از شکل‌های هندسی را تشکیل داده‌اند.

طرح‌ها، رنگ‌ها و زیبایی‌های چیق به نوعی نشان‌دهنده سلیقه زن کوچ‌نشین آن چادر محسوب می‌شود و اغلب، دختران عشایر که در آستانه ازدواج قرار می‌گیرند، با بافتن چیق، نخستین چادر زندگی مشترک و اولین وسیله جهیزیه‌شان را آماده می‌کنند. چیق تازه‌عروسان اغلب از رنگ‌های زیبا،

با طرح‌های دلخواه عروس بافته می‌شود. هنوز پس از سال‌ها که از زندگی شهری می‌گذرد، چیق در میان کوچ‌نشینان جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از هنرها و صنایع دستی اغلب زنان کوچ‌نشین محسوب می‌شود.

تقسیم‌بندی چیق از نظر بافت

چیق‌ها را می‌توان از نظر ابعاد و اندازه به دو دسته کلی تقسیم کرد. نوع اول چیق بلند است که خود به انواع مختلفی مانند: «تپک» (tapak)، «ساده» و «ریقه» (riqe) تقسیم می‌شود و نوع دیگر، «چپته کوله» است که مصارف خاصی در زندگی عشایری دارد. در مورد چیق‌های بلند که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند، این تقسیم‌بندی از نظر نحوه بافت، شکل ظاهری و همچنین کاربرد آنها بوده که به وضوح در شکل ظاهری آنها قابل مشاهده است. دسته‌بندی‌های دیگری را نیز می‌توان انجام داد؛ مثلاً از نظر نوع نی به کاررفته در هر یک از چیق‌ها. در اینجا به توضیح هر یک از این انواع پرداخته می‌شود:

۱. چیق تپک (ته‌په‌ک)

بهترین نوع چیق در منطقه را «تپک» می‌گویند. این نوع «چیق»‌ها زیبا و نقش و نگار دارند و به دلیل نوع ویژه بافت آنها، هندسی‌گونه هستند. در بافت این نوع، از نقوش گیاهی، جانوری، ابزاری، انسانی، هندسی، نوشته و نقش‌های جدید استفاده می‌شود. برخی از این نقوش عبارت‌اند از: گل، بوقلمون، مرغابی، اردک، خرچنگ، سماور، توق‌سوار، توق‌گول، نقوش مثلثی شکل و...

بر روی تپک‌هایی که گاه در ازای آن به چند متر می‌رسد، تقارن انتقالی یا تسلسل و تکرار نقش بویژه نقوشی نظیر شتر و شکار از ابتدا تا انتهای کار دیده می‌شود که گونه‌ای حرکت و طی طریق را تداعی می‌کند. شاید برای

عشایر، چنین نقش‌زنی‌هایی، به کوچ، ایل، راه‌ها و حرکت و پویایی همیشگی‌شان اشاره داشته باشد.

کاربرد: چیق‌های تپک در قسمت دیوآخان (محل پذیرایی) سیاه‌چادر که مخصوص مهمانان و اتاق پذیرایی عشایر است، به منظور تزیین و زیبایی، استفاده می‌شوند.



نمونه چیق تپک

ساخت: برای ساخت «چیق تپک» ترکه‌ها را به وسیله نخ یک لایه به دست آمده از پشم در رنگ‌های مختلف که با نقشه مورد نظر هماهنگ باشد، به طور کامل می‌پوشانند، پس از آنکه نقش دلخواه به دست آمد، برای وصل کردن نی‌ها و تشکیل نقش اولیه، ترکه‌ها را به هم وصل می‌کنند که به آن «که‌ته‌ن کردن» (katan kardan) گفته می‌شود. به دنبال آن برای وصل کردن نی‌ها به هم و ساخت چیقی محکم و قابل استفاده، از دار چیق استفاده می‌شود. دار، از دو

قطعه چوب که در انتها، دوشاخه است و قطعه‌ای دیگر که بر روی آن قرار می‌گیرد، تهیه می‌شود. برای وصل کردن ترکه یا نی‌ها، نخ دو لایه به دست آمده از موی بز یا اخیراً نوارهای پلاستیکی را به وسیله سنگ‌هایی که به آن متصل است، از پشت و رو به دار آویزان می‌کنند و برای اتصال ترکه‌ها که یکی یکی درمی‌آید و بافته می‌شود، سنگ‌های رو را به پشت و سنگ‌های پشت را به صورت ساده یا زیگزاگی به رو می‌اندازند و این کار تا پایان ساخت ادامه می‌یابد. معمولاً به ازای هر گره، گل که نقشی است لوزی‌شکل، چهار سنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد که دو تای آن جلو و دو تای دیگر پشت انداخته می‌شود و برای کمره که نواری است که نی‌ها را به هم محکم می‌کند و در سراسر طول چیق ادامه دارد، یک سنگ جلو و یکی را پشت می‌اندازند.

برای جلوگیری از باز شدن چیق، از سر چیق که شبیه به گنبد و با عرض بسیار کم است، استفاده می‌شود. البته امروزه دیگر بیشتر از نوارهایی که برزنتی یا پلاستیکی هستند و از بازار تهیه می‌شوند، استفاده می‌شود. برای سهولت کار، معمولاً حداقل دو زن به کار بافت می‌پردازند. این گونه چیق‌ها برای به هم پیوستن، ترکه‌پیچ می‌شوند که این کار خود باعث ایجاد بافت جدیدی می‌گردد که به هم پیوستگی کل چیق، نتیجه آن است. درست کردن چیق تپک پیچیده‌تر از انواع دیگر است.

برای پوشاندن تپک‌ها به جای الیاف طبیعی تولید خود عشایر، در بسیاری از خانواده‌ها از کاموا استفاده می‌شود. عشایر دلایل استفاده از آن را رنگ پس ندادن، ماندگاری طولانی‌تر رنگ و نیز سهولت دسترسی ذکر می‌کنند.

۲. چیق ساده

در این نوع چیق، روی نی‌ها فقط نقوشی به صورت شکل‌های هندسی ساده، مانند لوزی و مثلث، با نخ‌هایی به رنگ سیاه و سفید ایجاد می‌کنند و از

آن، بیشتر برای پوشش بیرونی یا جای نگهداری حیوانات و گله استفاده می‌شود. ترکه‌های مورد استفاده در این نوع، برخلاف تپک‌ها پوشانده نمی‌شود و رنگ روشن آن آشکار است. نقش‌های آن ساده و شامل اشکالی لوزی مانند است که خود عشایر آنها را گل می‌خوانند. این نوع از چیق‌ها که «ترکه پیچ» هم خوانده می‌شود، بسته به موادی که در ساخت آنها به کار می‌رود، به انواع مختلف زیر تقسیم می‌شوند:

ترکه: صرفاً از ترکه‌های نی ساخته می‌شوند (نی‌ها بسته به قطرشان به دو، سه یا چهار قسمت تقسیم یا به قول عشایر ترکانده می‌شوند که به هر یک از این قسمت‌ها، ترکه می‌گویند).

- ترکه وایم (wāyam) (بادام): اضافه بر ترکه، از شاخه‌های بسیار نازک بادام در ساخت آن استفاده می‌شود.

- نی‌وچ (neywa): این چیق‌ها از نی‌های بسیار جوانی که قطر چندانی ندارند و به آنها «نی‌وچ» می‌گویند، ساخته می‌شوند. نی‌وچ‌ها بدون ترکاندن و به صورت لوله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- نی‌وچ ترکه: در ساخت این نوع چیق از هر دو شکل ترکه و نی‌وچ استفاده می‌شود.

در این نوع چیق‌ها، رنگ اصلی همان رنگ نی است و بر روی آن برای خلق لوزی‌ها عمدتاً از دو رنگ کرم و مشکی استفاده می‌شود.

کاربرد: در اطراف سیاه‌چادر یا «کوزا» و «کولتن آ»، همچنین پشت چیق‌های تپک، به منظور محافظت و پاکیزگی آن، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱. به جایگاه نگهداری بره‌ها و بزغاله‌ها و محافظت آنان از سرمای زمستان گفته می‌شود. کوز در قسمت‌های گرم چادر ایجاد می‌شود و با چیق، از دیگر بخش‌های چادر جدا می‌گردد.
۲. محل نگهداری آذوقه عشایر از جمله آرد، روغن و... است.



نمونه چیق ساده عشایر

۳. چیق ریفه

از ترکیب دو چیق تپک و ساده، دست‌بافته‌ای پدید می‌آید که در بین برخی طوایف به آن چیق «ریفه» می‌گویند. این چیق، با توجه به نوع بافت و ترکیب نخ‌ها و رنگ‌ها، بافت بسیار زیبایی ایجاد می‌کند. همین که در آن، گل‌ها پوشیده نمی‌شود و جاهایی از نی‌ها بیرون است و از بافت و رنگ خود نی نیز بهره می‌گیرند، خلاقیت خالقان آثار را به خوبی می‌نمایاند و نشان می‌دهد که آنها در ناخودآگاه خود اصول اولیه هنرهای تجسمی را به خوبی رعایت می‌کنند.

تجمع و تفرق و ایجاد کنتراست، خود می‌تواند عامل زیبایی باشد که در چیق‌های ریفه این ویژگی مدنظر قرار می‌گیرد و از سوی زنان عشایر بر روی دست‌بافته‌هایشان به تصویر کشیده می‌شود. در تصویر بعدی این زیبایی با تکرار لوزی‌ها با بافت متنوع جلوه‌نمایی می‌کند.

کاربرد: برای در ورودی سیاه چادر و قسمت پذیرایی استفاده می‌شوند.



نمونه‌ای از چیق ریقه

۴. چیق کوله (kevla)

چیق کوتاه که در زبان محلی «چیته کوله» (te kule) نامیده می‌شود، کوتاه‌تر از انواع دیگر است و معمولاً از قسمت سر نی برای ساخت آن استفاده می‌شود. «چیته کوله» چیق‌هایی هستند که نسبت به ارتفاع سیاه چادر بسیار کوتاه‌ترند و نقوش ساده لوزی شکل موسوم به گل بر روی آنها دیده می‌شود. معمولاً از قسمت سر نی برای ساخت آن استفاده می‌شود.

کاربرد: برای ساخت «کوز» و «کولنان» (kulenân) همچنین پشت

چیق‌های تپک به منظور محافظت و پاکیزگی آن، استفاده می‌شوند.

۱. نوعی خنک‌کننده که محل نگهداری مواد غذایی فاسدشدنی در سیاه چادر است. عشایر روی آن یک «چیق» می‌کشند و بر روی آن مشک‌هایشان را قرار می‌دهند. به دلیل عبور هوا از زیر چهارپایه و خیس بودن مشک‌ها، فضایی بسیارخنک ایجاد می‌شود.

برای ساخت چیق‌های سفید و چیته کوله، ترکه‌ها با نخ پوشانده نمی‌شوند، اما بقیه مراحل شبیه به ساخت تپک است. این نوع چیق‌ها کاملاً به منظور خودمصرفی تهیه می‌شوند.

نقوش چیق‌ها

چیق‌های دستبافت زنان عشایر نقوش متنوعی دارند. بسیاری از این نقوش، تحت تأثیر جغرافیا و باورهای اساطیری، آیینی و مذهبی خاص شکل گرفته‌اند و ملهم از باورهای خانوادگی و قبیله‌ای، یا طلسم‌هایی برای دفع چشم‌زخم و بخت‌گشایی یا مربوط به آگاهی‌های زیباشناختی هستند. به دلیل پابندی عشایر به اعتقادات و باورهای نیاکان و نیز بسته بودن محیط زندگی آنها، این باورها طی هزاران سال، به وسیله نقوش و رنگ‌ها و با وجود کم‌دوام بودن مواد اولیه دستبافته‌ها، نسل به نسل انتقال داده شده است. اعتقادات و نمادهای تصویری مربوط به نگاره‌های گوناگون در گذر زمان تغییر می‌یابد و جزئی از افسانه‌ها و فرهنگ بومی می‌شود و معانی اصلی آنها از بین می‌رود و نگاره‌ها باقی می‌ماند.

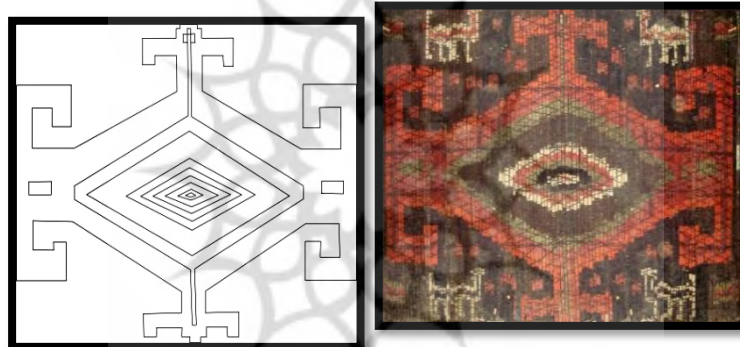
نقش‌ها، دارای تنوع بسیار وسیعی هستند. در بعضی نقاط، نقش خاصی بیشتر استفاده می‌شود که یکی از علل اساسی آن، وجود نقش‌مایه مخصوص در آن سرزمین است.

نقوش روی چیق با توجه به نحوه ساخت آنها، حالت هندسی دارند. قرینه و مسیر حرکت از موارد مورد توجه در آثار عشایر است. نکته قابل توجه در برخی از چیق‌ها، استفاده از تصویر وسایل جدید و - با رواج سوادآموزی - کلمات و اسامی و نوشته‌های مذهبی است که می‌تواند با اعتقادات مذهبی ارتباط داشته باشد. در مواردی از نقوش حیوانات خاص استفاده شده است که

هنر «چیق بافی» عشایر ایل کلهر ❖ ۸۵

گاه برخی از این حیوانات در محیط زندگی ایشان حضور ندارند و گاه این حیوانات، نقشی به عنوان «توتم»^۱ دارند. اعتقاد خاص عشایر به برخی اشکال و نقوش نیز سبب پیدایش برخی عناصر دیگر است.

برای تقسیم نقوش، روش‌های مختلفی وجود دارد. از جمله اینکه می‌توان نقوش را براساس نوع استفاده و کاربرد آن تقسیم‌بندی کرد؛ مثل نقوش ملهم از محیط و ابزار یا نقوش دارای ساختار هندسی. اما به نظر می‌رسد که هرکدام از این تقسیم‌بندی‌ها نارسایی‌هایی دارند. شاید تقسیم‌بندی زیر مناسب‌ترین روش باشد:



نقش شکار، لاک‌پشت و گل

نقوش حیوانی: از دوران گذشته، حیوانات در اعتقادات مردم نقش به‌سزایی داشته‌اند و به علت عقاید جادویی و مذهبی، همواره تصویر جانوران به صورت خیالی و تمثیلی نمایش داده می‌شده است. بافندگان عشایر نیز به منظور بیان افکار، از حیوانات پیرامون خود الهام گرفته و نقش آنها را در قالب دستبافته‌ها از جمله چیق، گلیم، نمد و... نمایان کرده‌اند. نقوش حیوانی که در

۱. توتم‌ها اجسامی نمادین هستند که در اقوام بومی بیشتر قاره‌ها کاربردهای آیینی دارد. توتم معمولاً به عنوان یادمانی از نیاکان یک ایل یا طایفه عمل می‌کند.

چیق‌های عشایر کلهر مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: شکار، بز کوهی، لاک‌پشت، پرندگان، شتر، سر روباه، حیوان چهارپا، قورباغه و خرچنگ. همچنین برخی از اجزای بدن حیوانات نیز به عنوان نقش‌مایه به کار می‌رود. این حیوانات ممکن است در اطراف و خود منطقه وجود داشته باشند یا برگرفته از ذهنیات فرد بافنده باشند.

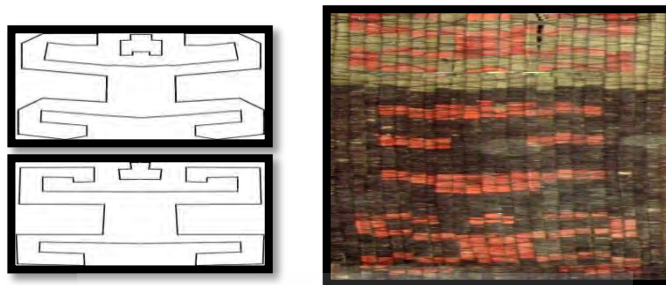
نقوش انسانی: نقش انسان از دوره پارینه‌سنگی به صورت ساده بر دیوار غارها ترسیم شده است. نقش‌های انسانی به کار رفته در چیق، به نسبت نقوش حیوانی و گیاهی کمتر است. این نقوش ممکن است کاملاً به شکل انسان نباشد، اما به دلیل برخی از نشانه‌هایی که از انسان دارند، آنها را می‌توان نقوش انسانی نامید.

نقوش گیاهی: گیاهان در باورهای عامه نقش به‌سزایی دارند. بسیاری از عشایر، زندگی را حاصل جوانه زدن درختان و درخت را نمادی از زندگی جاویدان می‌دانند. این عناصر در داستان‌های عامیانه و باورهای مردم نیز حضور دارند. گیاه به دلیل برطرف کردن برخی از نیازهای بشر و باروری، در میان عشایر حاضر اهمیت خاصی دارد. برخی از این نقش‌مایه‌های گیاهی، شامل درخت، شاخه درخت، برگ، بته و انواع گل است.

نقوش اشیا: بافندگان ایل از نقوش اشیا، مانند حوض، گلدان، سماور و غیره نیز استفاده می‌کنند که این دسته از نقوش در گذر زمان دچار تغییر می‌شوند.

نقوش هندسی: در صنایع دستی عشایر با توجه به ماهیت بافته‌ها؛ نقش‌های هندسی بیشترین کاربرد را دارند. نقش‌های هندسی متنوع‌تر از دیگر

نقوش هستند و درعین سادگی می‌توانند بسیار زیبا و جذاب باشند. اشکال لوزی، مثلث و ترکیب آنها معمولاً در چیق کاربرد دارند.



استفاده از زمینه‌های مختلف رنگی و توجه به فضای مثبت و منفی و ایجاد حرکت در چیق **نقوش انتزاعی**: نقوش انتزاعی به دسته‌ای از نقوش اطلاق می‌شود که بیانگر هیچ‌یک از موارد ذکر شده بالا نباشد. این نقوش که از ترکیب نقوش هندسی پدید می‌آیند و معنای خاص خود را دارند، علاوه بر چیق، در گلیم، جاجیم و قالی نیز به کار می‌روند.

نوع طبیعت، آب و هوا، ذهنیات، روحیات و آداب و رسوم در تعیین نوع نقش بسیار مؤثر است و به همین دلیل است که بافته‌ها و نقوش هر منطقه با منطقه‌ای دیگر تفاوت دارد. نقش‌ها در روستاها و شهرهای دور افتاده از اصالت بیشتری برخوردارند.

در مواردی، از نقوش برخی حیوانات خاص استفاده می‌شود که در محیط زندگی آنان حضور ندارند؛ مانند شتر. هرچند نمی‌توان در مورد چرایی قرار گرفتن چنین نقوشی بر دست آفریده‌های عشایر با اطمینان بحث کرد، اما شاید به این دلیل که حیوان مذکور، اصولاً در منطقه و مناطق اطراف یافت نمی‌شود و به ظاهر نقشی در زندگی عشایر ندارد، شاید چنین نمادی برای عشایر، اشاره

به توتمی خاص باشد و شاید، نقشی مهاجر و وارداتی باشد، اما از آنجا که اساساً در فرهنگ عامه کردی مطلبی درباره شتر شنیده نمی‌شود، می‌توان احتمال دوم را صحیح‌تر دانست. (بیگی، ۱۳۸۷: ۹۴)



ساده کردن نقوش گل، درخت و شتر

به طور کلی مفاهیم نمادین نقوش چیق‌ها عبارت‌اند از: نقوش ملهم از عقاید دینی و مذهبی و باورها؛ نقوش ملهم از نشانه‌های طبیعی (آسمان، ستارگان، کهکشان، ماه و خورشید)؛ نقوش ملهم از تداخل فرهنگی با فرهنگ‌های همجوار؛ نقوش ملهم از داستان‌ها و حکایات و اساطیر؛ نقوش ملهم از محیط طبیعی (آب، درختان، حیوانات اهلی و وحشی و رد پای حیوانات)؛ نقوش ملهم از ابزار و وسایل زندگی و نوع معیشت.

رنگ چیق

مبانی رنگ که در مدارس هنری آموزش داده می‌شود، بر پایه سه رنگ اصلی استوار است و جهان رنگ‌ها را به سرد و گرم تقسیم می‌کند. پس نباید انتظار داشت هنرجوی معاصر که مبانی رنگ «یوهانس ایتن» (ایتن، ۱۳۸۲: ۸۱)، دنیای رنگ او را می‌سازد، با ترکیب‌ها و اندیشه‌های رنگی گذشتگان ارتباط واقعی برقرار کند و فهم درستی از آنها داشته باشد، در صورتی که در آثار

گذشتگان، این رنگ‌ها بدون هیچ دغدغه‌ای و چه بسا از روی رغبت استفاده شده است.

یکی از نخستین جنبه‌هایی که در مورد رنگ به ذهن خطور می‌کند، مجموعه روابط نمادین و تصویری آن با معتقدات و باورهاست. بسیاری از مفاهیم رنگی در طول دوران مختلف بشر از چیزهایی گرفته شده و به چیزهایی ارتباط داده شده‌اند که طبیعت از آنها به وجود آمده است؛ مانند عناصر چهارگانه آتش، باد، آب و خاک که با رنگ‌های قرمز، زرد، آبی و سبز قرین می‌شوند. شناخت سنتی رنگ‌ها بیشتر به منظور یادآوری واقعیت آسمانی چیزهاست تا تقلید رنگ‌های طبیعی اشیاء.

کاربرد رنگ در بین عشایر، همانند نقوش، با جغرافیا، باورها، اعتقادات و... آنها رابطه مستقیم دارد؛ به طوری که رنگ‌ها در مناطق گرمسیری از تندی و شادابی بیشتری برخوردارند و حتی بر رنگ لباس‌هایی که می‌پوشند، مؤثر است.

«نظام رنگ‌آمیزی در هنرهای سنتی بر پایه یک نظام سه‌تایی در کنار یک نظام چهارتایی صورت گرفته است، نظام سه رنگی را رنگ‌های سفید، سیاه و خاکستری و نظام چهار رنگی را رنگ‌های قرمز، زرد، سبز و آبی تشکیل می‌دهند که ترکیب این دو، نظام هفت رنگ به کار رفته در هنرهای سنتی را به وجود می‌آورد.» (فرید، ۱۳۸۸: ۵۹)

در هنرهای سنتی، همه اشیا از نظر رنگ‌آمیزی با خلوص رنگی که از طبیعت گرفته می‌شد، رنگ‌آمیزی می‌شده است و در این نوع رنگ‌آمیزی سایه و تیرگی جایی ندارد.

با توجه به کاربرد مواد بومی و اصیل در تولید صنایع دستی، استفاده از رنگ طبیعی اهمیت بسیار دارد. دسته‌ای از گیاهان، دارای رنگینه‌هایی با ثبات عالی و متوسط هستند و در رنگرزی سنتی نقش مؤثری دارند. روناس، گل بابونه، برگ انگور عسگری، چغندر، پوست پیاز، برگ درخت توت، وسمه، گل جعفری، برگ انجیر، پوست انار، بلوط، پوست گردو، هلیله، سماق، زعفران و غیره از گیاهانی هستند که در ایران یافت می‌شده و مواد رنگزایی آنها، در رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

استفاده از رنگ در خلق دستبافته‌های تجسمی از سوی عشایر، از دو جنبه ذهنی و عینی، مورد توجه است. با توجه به اینکه بافت و انتخاب رنگ چیق‌ها در بین عشایر به صورت ذهنی صورت می‌گیرد، بیش از هر چیز کیفیت ذهنی رنگ باید مورد توجه قرار گیرد که اغلب شخصی است و هرکس کیفیت خاص خود را دنبال می‌کند و مجموعه‌ای را از لحاظ رنگی هماهنگ می‌داند که خاص خود است. «مجموعه‌های رنگی هماهنگ، عقاید ذهنی شخصی را نشان می‌دهد و این همان رنگ ذهنی است.» (ایتن، ۱۳۸۲: ۳۰). از آنجا که ترکیبات ذهنی رنگ کلیدی برای شناختن فکر، رفتار و احساس طبیعی است؛ می‌توان نتیجه گرفت که زنان عشایر با رنگ‌های ذهنی‌شان خود را معرفی می‌کنند.

کیفیت عینی رنگ، با توجه به رنگ‌هایی که در زمینه به کار گرفته می‌شود (اغلب رنگ سیاه که حاصل استفاده از موی بز است) و رنگ نقوش، قابل بررسی است. چیق‌های عشایر در نگاه اول، نقوش رنگارنگ متداخلی هستند که زمینه را از دید پنهان نگه می‌دارند. تنوع رنگ در برخی آثار بیشتر است و این، به شناخت رنگی هر طایفه ارتباط دارد که معمولاً عواملی مانند سواد، جنس و سن در آن مؤثرند.



مقایسه درخشندگی رنگ در چیق‌های قدیمی (راست) و چیق‌های جدید (چپ)

محدودیت استفاده از رنگ‌ها در قدیم، به نحوه آماده‌سازی رنگ و استفاده از مواد محدودتر و شناخت رنگ برمی‌گردد. در میان مردمان قدیم، گاهی فقط جنبه نمادین رنگ مورد توجه قرار می‌گرفت که در این صورت یا برای مشخص کردن طبقات اجتماعی به کار می‌رفت یا به صورت نمادین برای عقاید مذهبی یا اساطیری به کار گرفته می‌شد. (همان: ۱۴)

رنگ‌آمیزی و هماهنگی (ضرباهنگ) به خوبی در چیق‌ها رعایت شده است. انواعی از رنگ، بویژه در دست‌آفریده‌های قدیمی که به‌راستی چشم‌نواز و زیباست، دیده می‌شود؛ رنگ‌هایی زنده که به‌خوبی ترکیب شده و گرم و سرد با هنرمندی در کنار هم قرار گرفته‌اند و ترکیب رنگی را ایجاد کرده‌اند. با چیق‌ها اگر نتوان به دنیای زنان بافنده آن راه یافت، لااقل می‌توان با آن آشنا شد؛ چرا که انتخاب رنگ و نقش، خود می‌تواند گویای روحیات و طبیعت بافنده‌اش باشد. (بیگی، پیشین: ۹۲)

به طور کلی، در مورد رنگ دستبافته‌های عشایر می‌توان گفت که دارای هماهنگی رنگی هستند. این هماهنگی ممکن است با رنگ‌های خیلی محدود - فقط با دو یا سه رنگ - ظاهر شود؛ مثل: آبی روشن، خاکستری متوسط، سفید و سیاه، یا قرمز - قهوه ای تیره و... یا با تعداد بیشتری رنگ، که معمولاً زنده‌تر از رنگ‌های قدیمی‌تر هستند.

سلیقه اقوام مختلف در انتخاب رنگ، گوناگون است. بافنده‌های عشایری، به دلیل تماس نداشتن با محیط خارج خود، از درخشندگی طبیعت پیرامونشان الهام می‌گیرند. بدیهی است که انتخاب رنگ‌ها بر اساس مواد رنگی موجود و سپس سلیقه بافنده‌ها صورت می‌گیرد. هزینه تهیه رنگ نیز نقش عمده‌ای در این امر دارد.

جمع‌بندی

آنچه بر روی چیق‌های عشایر نقش می‌بندد، حاصل ذوق و هنر مردمانی است که در ارتباط مستقیم با طبیعت هستند. هنر پویای عشایر با وجود تکرار عناصر از آغاز تا امروز، همچنان طروات و شادابی خود را حفظ کرده است. عوامل بسیاری در هنرهای دستی ایلات و عشایر تأثیر دارند که یکی از این عوامل، نحوه معیشت است. دامداری، نقش مهمی در معیشت عشایر ایل کلهر دارد که تجلیات آن را می‌توان در آثار هنری مشاهده کرد. زن عشایر برای طرح چیق خود نقوشی از حیوانات برمی‌گزیند که با آنها زندگی می‌کند؛ علاوه بر نمادپردازی، زندگی خود را روایت می‌کند و زیبایی‌هایش را به تصویر می‌کشد تا همیشه در مقابل دیدگانش باشد؛ چرا که با آن خو گرفته است.

به طور کلی، ویژگی‌های نقوش عبارت‌اند از: ذهنی بودن، ملهم از دیده‌ها، شنیده‌ها و آرزوی افراد، نقش و نگارهای عامیانه، نقوش برگرفته از طبیعت،

وجود تکرار و قرینه توأم با تنوع. بسیاری از نقوش نیز دارای نام مشخص نیستند.

نقوش به انواع گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی، انتزاعی و اشیا قابل تقسیم است. طرح‌های موجود نیز شامل طرح‌های گل، حاشیه یا اطراف گل، ابزار کار و وسایل زندگی، عناصر طبیعت مانند ماه و خورشید، حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان و خزندگان می‌شود.

عشایر، رنگ‌های مورد استفاده خود را از مواد گوناگونی تهیه می‌کردند. پیش از رواج رنگ‌های شیمیایی، بافنده‌ها از رنگ‌های موجود در طبیعت اطراف خود سود می‌بردند. عمده رنگ‌های به کار رفته در چیق عبارت‌اند از: قرمز، آبی، زرد، سبز، نارنجی، سیاه، سفید، صورتی و فیروزه‌ای. نقش و رنگ چیق‌های عشایر مملو از زیبایی‌های منحصر به فردی است که نگاه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

منابع

الف) کتاب

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۶). از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: نشر مرکز.
۲. ایتن، یوهانس (۱۳۸۲). هنر رنگ. ترجمه عربعلی شروه و دیگران. تهران: انتشارات یساولی.
۳. سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان: ایلات و طوایف. تهران: چاپ موفق.
۴. سیدصدر، سیدابوالقاسم (۱۳۸۶). دایره‌المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن. تهران: نشر سیمای دانش.

ب) مقاله

- فرید، امیر (۱۳۸۸). «رنگ در بی‌رنگی؛ بررسی و کاربرد رنگ و رنگ‌آمیزی در نگارگری سنتی ایران». کتاب ماه هنر. ش ۵۸.

ج) پایان‌نامه

- بیگی. مرتضی (۱۳۸۷). «بررسی صنایع دستی عشایر ایل کلهر گیلانغرب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

د) تارنمای مجازی

- امیری، علی (۱۳۸۳). «چیق (چیغ) بافی». در پایگاه اطلاع‌رسانی علمی پژوهشی فرش ایران. <http://library.tebyan.net/newindex>